

سرمقاله

بامیان؛ یک گام به سوی عدالت و آبادی

محمدرضا هویدا

روز گذشته رئیس جمهوری با جمعی از مقامات عالی رتبه دولتی به بامیان رفت و چندین پروژه را افتتاح کرد. افتتاح این پروژه ها برای بامیان و مناطق مرکزی که سالهای زیادی در انتظار توجه دولت مرکزی بوده اند، با اهمیت است. این اقدامات را می توان آغاز یک حرکت برای توجه مناطق مرکزی دانست. حرکتی امیدوار کننده که در اولین قدم بسی عدالتی و فقر را هدف قرار دهد.

بامیان از محروم ترین مناطق افغانستان است. ولایتی که با وجود داشتن ظرفیت های بلند اقتصادی و جلب سرمایه، تا کنون کمتر مورد توجه و لطف دولت مرکزی قرار گرفته است. محرومیت و همچنان صبر و تحمل ساکنان مناطق مرکزی کشور مثال زدنی است. به همین دلیل نیز، دو تیم برنده انتخابات ریاست جمهوری که دولت وحدت ملی را تشکیل داده اند، در زمان کمپاین انتخاباتی شان وعده های جدی و قابل توجهی به مردم بامیان و دیگر مناطق مرکزی کشور داده اند. یکی از شعارهای رئیس جمهوری شکستاندن دیوارهای زندان طبیعت مناطق مرکزی و خارج شدن این مناطق از حصر طبیعت بود. حالا پس از دو سال از سران دولت وحدت ملی به بامیان برگشتند و با افتتاح چندین پروژه مهم اعلان کردند که شکستاندن زندان طبیعت مناطق مرکزی را آغاز نموده اند.

برای مردم مناطق مرکزی و هر جای دیگر افغانستان، افتتاح حنا یک پروژه که بتواند حلقه ای از زنجیر حصار طبیعت، مشکلات و بدبختی های شهروندان کشور را کم سازد، گام مثبتی است، اما باید توجه داشت که حجم مشکلات مردم افغانستان به خصوص مناطق مرکزی کشور بیشتر و ریشه ای تر از این است. دولت مردان حکومت وحدت ملی باید ثابت سازند، روندی را که آغاز کرده اند را ادامه خواهند داد و ریشه های فقر، بی عدالتی و تبعیض و حصار طبیعت را خواهند شکست.

یکی از اساسی ترین کارهایی که همیشه ادامه داشته و سبب شده تا مناطقی مثل مناطق مرکزی کشور در فقر مطلق بمانند، سهم مناطق مختلف کشور در بودجه ملی است. به زودی بحث بودجه ملی برای سال آینده مالی کشور در مباحث اقتصادی و سیاسی کشور مطرح خواهد شد. هر ساله بودجه ملی، به شورای ملی فرستاده می شود، اما به دلایلی از جمله غیر متوازن بودن و عدم توزیع عادلانه ثروت و منابع کشور، هفته ها از تصویب باز می ماند.

همه مناطق، اقوام و شهروندان کشور خود را در بودجه ملی، پروژه ها و امکانات ملی می بینند، تقسیم ولایت ها به درجه یک و دو و سه که نتیجه اش محرومیت و بی عدالتی در کشور است، سبب شده تا ذهنیت برنامه ریزان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کشور به ولایات مختلف با دیده متفاوت بنگرند.

ادامه کار و توجه به نیازمندی های ولایات محروم کشور باید در بودجه ملی و اختصاص پروژه ها و تخصیص منابع ملی برای همه ولایات به صورت کامل عادلانه، دیده شود. بودجه ملی به عنوان یک سند ملی که اولویت های ملی را در تخصیص منابع و توزیع سرمایه های ملی در نظر می گیرد، باید به اولویت های مناطق محروم کشور از جمله مناطق مرکزی را در نظر بگیرد. مناطق مرکزی افغانستان از مسایل اصولی رنج می برند. این مناطق سهم شایسته ای از بودجه ملی، ثروت ها و منابع ملی نداشته اند. حضور نیروی انسانی از این ولایات در چوکات دولت کم است، واحدهای اداری در این ولایات ناعادلانه تقسیم شده اند، سهمی شایسته ای در پروسه های ملی به آنها داده نمی شود و در تصمیم گیری های بزرگ ملی به آنها توجه لازم نمی شود و حصارهای تاریخی و طبیعی تا هنوز شکسته نشده است.

این امیدواری وجود دارد که جدیت دولت در تامین عدالت اجتماعی، رسیدگی به اولویت های مناطق مختلف کشور، مسایل اقتصادی و تلاش های دولت مردان برای اجرای برنامه های ملی که کشور را به سوی رشد و توسعه اقتصادی سوق دهد، محدود به زمانی که حکومت موظف به پاسخ دهی به جامعه جهانی و یا کشورهای کمک دهنده هست، نباشد.

حملات یازدهم سپتامبر بپای نظامیان آمریکا، کشورهای عضو ناتو و کشورهای «شریک ناتو» را به افغانستان کشاند. در ماه های اول حضور نیروهای بین المللی به افغانستان موفقیت چشم گیری داشت. امارت اسلامی طالبان را سقوط داد. رهبران گروه طالبان و شبکه القاعده از افغانستان متواری شدند. این موفقیت زودهنگام باور کاذب نسبت به جنگ افغانستان در اذهان بسیاری از کشورهای غربی خلق نمود. جنگ افغانستان در همان سال های نخست پایان یافته پنداشته می شد. ایالات متحده آمریکا طرح حمله به عراق را سازماندهی نمود. عراق در مرکز توجه کشورهای غربی قرار گرفت.

جنگی که از دید غربی ها تمام شده پنداشته می شد یکبار دیگر شعله ور شد. گروه طالبان و شبکه القاعده بار دیگر به میدان جنگ باز گشتند و تهدیدات جدی علیه نیروهای بین المللی و نیروهای امنیتی افغانستان به وجود آوردند. زمانی که باراک اوباما، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا شد و قدرت را به دست گرفت گروه طالبان و شبکه القاعده به میدان جنگ باز گشته بود و پیشرویی ها و حملات شان بر نیروهای بین المللی و نیروهای امنیتی افغانستان بار دیگر خبر ساز شد. باراک اوباما تصمیم گرفت که نیروهای آمریکایی را از عراق خارج نماید و آن ها را به افغانستان بفرستد تا این طریق بر گروه طالبان فشار آورد تا این گروه مجبور به گفتگو و مذاکره گردد. اوباما ۳۰ هزار نیروی جدید افغانستان فرستاد. تعداد نیروهای آمریکایی در افغانستان به ۱۰۰ هزار رسید. با بهبود نسبی وضعیت امنیتی او تصمیم جدید خود مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان گرفت.

امینتی بدتر شد و حکومت کنترل کندز را از دست داد و در چند ولایت دیگر تعدادی از ولسوالی ها را از دست داد خاطره حملات یازدهم سپتامبر یکبار دیگر در اذهان سیاستمداران آمریکایی زنده شد. باراک اوباما این بار به نیروهای آمریکایی در افغانستان صلاحیت بیشتر داد تا در کنار نیروهای امنیتی با گروه طالبان و داعش بجنگد. تا این جای کار، تصمیم جدید آمریکا کاری از پیش نبرده است. نیروهای آمریکایی و نیروهای امنیتی افغانستان تلاش نموده است از پیشروی گروه طالبان جلوگیری نماید. نگذارند لشکرگاه و کندز سقوط نماید. اما، گروه طالبان مورد تعقیب و پیگرد قرار نگرفته است.

اکنون مشخص نیست که ادامه جنگ در افغانستان چگونه رقم خواهد خورد. انتخابات آمریکا چه تأثیری بر وضعیت جنگ در افغانستان خواهد گذاشت. آنچه مشخص است اینکه غربی ها در یک سردرگمی در مورد افغانستان به سر می برد. در عین حال که از جنگ افغانستان خسته است اما کمک های خود را به افغانستان ادامه می دهد. کمک های که

جنگ افغانستان و سر در گمی حکومت و کشورهای غربی

رحیم حمیدی



© Aed Karim/AF/Getty Images

قادر نیست سرنوشت جنگ به افغانستان را مشخص نماید. حکومت افغانستان بیشترین تلاش را نمود تا گروه طالبان را به میز مذاکره بکشاند. به اسلام آباد، قطر و چین رفت اما، هیچ سودی عاید حکومت نشد. رئیس جمهور کرزی گریه کرد و با التماس از گروه طالبان خواست که به حکومت بپیوند اما، طالبان گوش نشان بدهکار نبود. رئیس جمهور غنی آمد و تلاش نمود تا از نفوذ پاکستان بر گروه طالبان استفاده نموده و این گروه را به پای میز مذاکره بکشاند. در نهایت، به این نتیجه رسیدند که پاکستان در امور افغانستان صادق نیست. به جای همکاری با حکومت افغانستان با گروه طالبان همکاری می نماید. افزایش نیروهای نظامی از سوی اوباما گروه طالبان را وادار به گفتگو و مصالحه نمود. تلاش های حکومت افغانستان نیز نتیجه بخش نبوده است. با این حال، هم ایالات متحده آمریکا و هم حکومت افغانستان به صورت قاطع تصمیم نگرفته اند که با گروه طالبان چگونه

مبارزه فرهنگی و اجتماعی با گروه طالبان می باشیم. نگاه قومی به پدیده طالبان نیز رهگشا نیست. نگاه قومی منجر به عقب ماندگی پشتون ها در افغانستان شده است. نگاه قومی نخبگان سیاسی ما سبب نشده است تا گروه طالبان دست از جنگ و خونریزی بکشند. آن ها به ویرانی ادامه داده است. بنابراین، به هر میزان که نگاه قومی بر نخبگان سیاسی غلبه کند و از نخبگان را از گرفتن تصمیم قاطع در مورد گروه طالبان باز دارد به همان میزان به پشتون ها به صورت خاص و دیگر گروه های قومی به صورت عام ظلم و جفا نموده است. در پایان باید متذکر شویم که تداوم جنگ و پیشروی گروه طالبان و گسترش دامنه نامنی در کشور و در کنار آن سردرگمی حکومت افغانستان و کشورهای غربی نتایج جبران ناپذیر را در پی خواهد داشت. احتمال دارد احساسات دیگر ستیزی در مردم علییه آمریکا و کشورهای غربی برانگیخته شود و در نهایت، خیزش های مردمی برای خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان شکل گیرد. در طرف دیگر، نارضایتی از حکومت مرکزی افزایش می یابد. این نارضایتی می تواند خطر فروپاشی را به وجود آورد. این هزینه کمی برای حکومت و کشورهای غربی نیست. از این جهت، بهتر است نسبت به جنگ افغانستان قاطعانه برخورد شود.

خستگی ایالات متحده از دست دنیا

بنوا برویل برگردان شهباز نخعی / قسمت اول



حزب حریف - که آماده اند او را به ضعف متهم کنند - مشاوران، وزیران، همکاران و متحدانی - که انتظار دارند واشنگتن مطابق با منافع آنان رفتار کند - و حریفان - که در کمین کوچک ترین گام خطا هستند تا مهره های خود را به پیش برانند. برخی از رئیس جمهوری ها تصمیم های خود را با همکاری تنگاتنگ با وزیر خارجه خود می گرفتند: ترومن و دین آچسن، آیزنهاور و جان فاستر دالس، ریگان و جرج پی شولتز. رئیس جمهوری های دیگری به مشاوران امنیت ملی یا وزیران خارجه خود متکی بودند: نیکسون و هنری کیسینجر، کارتر و زبیکینو برزینسکی. در مورد آقای اوباما، او به تنهایی یا با همکاران نزدیکش تصمیم می گیرد: آقایان بنجامین رودز، دنیس مک دونو، مارک لیبرت. مردانی که

کمتر از ۵۰ سال سن دارند و خدمت نظامی خود را نه در زمان جنگ سرد، بلکه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ انجام داده اند و به جریان ضد مداخله گری تعلق دارند. البته رئیس جمهوری کنونی اشخاص با تجربه تری را نیز به سمت های کلیدی دستکار دیپلماتیک و نظامی گمارده است: آقایان رابرتز گیتیز، لئون پانتا و چاک هیگل به وزارت دفاع، خانم هیلاری کلینتون و آقای جان کری به وزارت خارجه و غیره. این افراد گاه بر تصمیم های او سنجش کرده اند، مانند سال ۲۰۰۹، هنگامی که خانم کلینتون آقای اوباما را به شحمات از کودتا علیه ماوتل زلایا در هندوراس متقاعد کرد. اما در زمان های بحران، صدای ایشان همیشه گوش شنوا یافت. آقای گیتیز در خاطراتش چنین روایت می کند که: «از زمان ریچارد نیکسون و هنری کیسینجر، کاخ سفید در دوران او بیشترین حد تمرکز و اقتدار گری در زمینه امنیت ملی را داشته است».

نخستین اختلاف نظرها بین آقای اوباما و اطرافیان در سپتامبر ۲۰۰۹، در مورد افغانستان ظاهر شد. در حالی که رئیس جمهوری وعده پایان این جنگ را داده بود، ژنرال استانیلی مک کریستال، مسئول عملیات در محل، به خلاف او نظری این بود که دستیابی به پیروزی مستلزم افزایش حضور نظامی آمریکا است و بر آورد می کرد که به ۴۰ هزار سرباز نیاز است. طرف وزیر خارجه، وزیر دفاع، رئیس آژانس مرکزی اطلاعات (سیا)، مشاور امنیت ملی و مدیر اطلاعات ملی کوشیدند آقای اوباما را به پذیرش این خواست وادارند.

هنگام اعلام عقب نشینی آتی سربازانی بود که هنوز در افغانستان بودند. «معاینه مغز» در جناح دموکرات نیز در جریان رقابت های بین نامزدها غالباً از مداخله گری نظامی انتقاد شده است. از جمله این موارد، مخالفت با جنگ ویتنام توسط جرج مک گاورن در سال ۱۹۷۲، کشیش سیاه پوست جسی جکسون در سال های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸ - که به عنوان نمونه از اقدامات ایالات متحده برای سرنگون کردن دولت نیکاراگوئه انتقاد کرد -، یا حتی آقای اوباما منتقد سرسخت جنگ عراق در سال ۲۰۰۸ است. اما، برای یافتن مودی از مخالفت یک جمهوری خواه با اعزام نیروی نظامی باید به سال ۱۹۵۲ بازگشت که رابرت تفت توسط حزب خود نامزد مطلوب ریاست جمهوری محسوب می شد. او که سناتور ایالت اوهایو بود، با طرح مارشال مخالفت می کرد و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) را ناکارآمد و خیلی پر هزینه می دانست و بر این باور بود که ایالات متحده جز در موردی که «آزادی ملت» مستقیماً مورد تهدید باشد، نباید به کاربرد زور دست زند. او در رقابت با دوایت آیزنهاور در مرحله مقدماتی با فاصله ای اندک باخت. از آن پس، کلید موفقیت در مرحله مقدماتی انتخابات ریاست جمهوری در میان جمهوری خواهان، تأکید بر نقش رهبری جهانی ایالات متحده است. همین مورد موضوع مرکزی برنامه سیاست خارجی آقای جان مک کین در سال ۲۰۰۸ و آقای ویلارد «میت» رامنی در سال ۲۰۱۲ بود. چرخش کنونی جمهوری خواهان از آن جهت بیشتر تعجب برانگیز است که جناح محافظه کار در مدت ۸ سال

به نظر می آید که نامزد جمهوری خواه انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۱۶، کمتر از حریف دموکرات خود نسبت به مداخلات نظامی نظر مساعد دارد. وضعیتی که از زمان جنگ جهانی دوم بی سابقه است. اما کوشش واپس نشینی، که از سال ۲۰۰۹ بر سیاست خارجی آقای باراک اوباما سایه افکنده، از این پس هر دو حزب را دربر می گیرد. «گیج»، «ضعیف»، «غیرمصمم»، «خائن»، «سست»، «ساده لوح»، «بی منطق»، «بی بصیرت» و «بی تجربه»؛ اینها واژه هایی است که جمهوری خواهان در مدت ۸ سال برای توصیف باراک اوباما و سیاست خارجی او به کار برده اند. آیه زعم آنان!

رئیس جمهوری با اجتناب از کاربرد زور به شالوده بزرگی و اعتبار ایالات متحده آسیب رسانده است اگرچه جمهوری خواهان هیچ فرصتی را برای تأکید بر این که آقای اوباما تا چه حد ایالات متحده را تحقیر کرده، از دست نداده اند، دو گاندیدای اصلی حزب در انتخابات مقدماتی از گفتمان های افراطی فاصله گرفته اند. در دسامبر ۲۰۱۵، آقای تد کروز از «حافظه کاران نوی دیوانه ای که می خواهند همه کشورهای دنیا را اشغال کنند و فرزندانشان را به خاور نزدیک بفرستند و به کشتن بدهند» انتقاد کرده است. در همان ماه، او در برابر بنیاد خیلی محافظه کار «هریتیج» بر ویژگی مضر دخالت آمریکا، با تکیه بر نمونه لبی تأکید کرد و افزود: «ما نباید از هیچ یک از جناح ها در جنگ داخلی سوریه حمایت کنیم». گفته هایی که کمی با یک جمله آقای اوباما در ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۳ مطابقت داشت که درگیری سوریه را «جنگ داخلی دیگری» عنوان می کرد. آقای دونالد ترامپ نیز پیش از این خواهان اعزام نیرو به خاور نزدیک نیست. او در تاریخ ۳ مارچ گفت: «ما در آنجا هزاران میلیارد دلار هزینه می کنیم و زیرساخت های کشور خودمان در حال از بین رفتن است». در اینجا نیز، می توان پنداشت که این صدای مستاجر کنونی کاخ سفید است که شنیده می شود: «در طول دهه اخیر، جنگ بسرای ما هزار میلیارد دلار هزینه داشته و این در زمانی بوده که بر بدهی ما در شرایط اقتصادی دشوار به شدت افزوده شده بوده است (...). زمان آن رسیده که ما بر سازندگی کشور خود متمرکز شویم». اینها گفته های آقای اوباما در سال ۲۰۱۱



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسئول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan
Daily Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Newspaper